

مسائل مطرح در بحث

شبهات و سوابقی که در این درس باید به تدریج به آن‌ها پاسخ داده شود، عبارتند از:

۱. با توجه به اینکه بورس شخصیت حقوقی است، آیا شارع مقدس آن را قبول دارد یا نه؟
یعنی با توجه به اینکه دولت‌ها به بورس ترتیب اثر می‌دهند و اهل بورس با خود بورس وارد معامله می‌شوند، پس هم عقلاء و هم دولت‌ها به بورس ترتیب اثر می‌دهند، آیا شارع هم آن را مشروع می‌داند؟
۲. به فرض که شارع مشروعیت این شخصیت حقوقی به نام بورس را پذیرفته باشد، با توجه به اینکه در بورس قبض و اقباض حقیقی رخ نمی‌دهد، آیا حکم به بطلان معاملات واقع شده در بورس می‌شود و در نتیجه پول‌هایی که بورس در قبال انجام این معاملات می‌گیرد، اکل مال به باطل محسوب می‌شود یا اینکه این طور نیست؟
۳. اگر نظر فقیه‌ی این باشد که پول‌هایی که در اختیار اشخاص حقوقی مثل بانک، قرار می‌گیرد، مجهول‌المالک هستند و همین که شما پول را به حساب واریز کردید، دیگر این پول شما نیست و پول مجهول‌المالک محسوب می‌شود، در این حالت شخصی که در بورس معامله می‌کند و با حسابش خرید و فروش می‌کند با چه پولی معامله کرده است، پول که از خودش نداشته است و آنچه در حسابش بوده است که مجهول‌المالک است؟!
۴. بر فرض که فقیه قائل شد، پول‌هایی که در بانک گذاشته می‌شود، مجهول‌المالک نیستند ولی چون سپرده‌گذاری و قرض‌الحسنه هستند، من فقط از بانک طلب کار هستم و آن پول‌ها در ملک بانک قرار دارند، پس در معالاتی که با حساب بانکی‌ام انجام می‌شود، قبض و اقباض ثمن چگونه تصویر می‌شوند؟

بررسی اولین مسئله

برای اینکه از مشروعیت بورس سخن بگوییم، ابتدا بایستی کمی مفهوم بورس را توضیح دهیم:

توضیح «بورس»

بورس اسم هتلی در بلژیک بود که برای اولین بار عده‌ای از تجار در آنجا جمع شدند و معاملاتی را انجام دادند و سپس این معاملات توسعه پیدا کرده و اسم همان هتل را پیدا کرده است.

هر چند از قبل انقلاب قانون بورس بوده است ولی آنچه در ایران جاری می‌شود، قانونی است که در سال ۸۵ یا ۸۴ تصویب شده است.

ما یک سازمان بورس داریم که تحت نظر او یک شرکتی داریم به نام شرکت بورس، مثل وزارت نفت که شرکت نفت دارد، سازمان بورس که موسسه عمومی و غیردولتی است که بر فعالیت‌های شرکت بورس که سهامی عام - شرکت سهامی خاص تنها مربوط به موسسین آن می‌باشد ولی شرکت سهام آن یعنی شرکتی که بخش از سهام آن را افرادی غیر از موسسین آن خریداری می‌کنند و سرمایه‌اش

را پرداخت می کنند. - است، نظارت دارد.

تمام شرکت های سهامی، شخصیت حقوقی هستند.

البته اختلاف است که صاحبان سهام در شرکت های سهامی عام، آیا شریک در اموال آن شرکت هستند یا اینکه سهام داران تنها مالک سهامی هستند که آن مالی اعتباری است؟

اگر مطلب اول را می گفتیم دیگر می شود شرکت حقیقی یا فقهی نه شرکت سهامی ولی طبق مبنای دوم، سهام داران مالک اموال شرکت نیستند.

بورس سازمانی است که تحت نظر آن شرکت سهامی ای قرار دارد که متشکل از شورایی است که حدود ۱۳ نفر هستند و هیئت مدیره دارد و مدیر عامل دارد، که این ۱۳ نفر عبارتند از: وزیر امور اقتصاد و دارایی، رئیس سازمان بورس، وزیر بازرگانی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس اتاق بازرگانی، رئیس اتاق تعاون، دادستان کل کشور، یک نماینده از طرف کانون ها، سه نفر خبره مالی و

قلدا بورس یک سازمان دارد (که ناظر است) و یک شرکت دارد (که در قالب سهامی عام است و مجری است و واسطه گری می کند). و ما به تمامی این مجموعه فعلاً اطلاق بورس می کنیم و می خواهیم مشروعیت این مجموعه را بررسی کنیم.

در بورس هم بازار اولیه و هم بازار ثانویه داریم.

در بورس به کسی که می خواهد چیزی بفروشد، ناشر می گویند.

در بورس هم سهام به فروش می رسد و هم کالا.

وقتی ناشر می خواهد کالا یا سهامی را بفروشد ابتدا آن را در بازار اولیه عرضه می کند و برای هر سهم قیمتی می گذارد و عده ای می خرند. البته اشخاص در آنجا خریدار نیستند بلکه مثلاً من به کار گذار یا سبد گردان یا معامله گر (که همگی شخصیت حقوقی هستند) و کالت می دهم که آن کار گذار برای من خرید کند و از آن طرف هم ناشر، معامله گر را وکیل خود در فروش قرار می دهد، پس این کار گذار یا معامله گر است که برای من خرید می کند و برای ناشر می فروشد. در بورس، کارگزارهایش به نام من و به حساب من، برای من معامله می کنند.

انواع قرار داد در بورس:

✓ قرار داد آتی: یعنی معامله در همان زمان انجام می شود که خود بر دو قسم است:

• نقدی: که پول همان زمان داده می شود.

• به وعده: که در زمانی دیگر پول پرداخت می شود.

✎ قرار داد آتی: الان قرار داد نوشته می شود ولی بیع در آینده رخ می دهد.

اگر بخواهیم به بورس نگاهی ساده داشته باشیم، می توان این طور تعبیر کرد که بورس، یک دلال است، یک بازار خود انتظام است به این معنا که قواعد و قوانینی دارد مثل اینکه اجناس سریع الفساد در آنجا معامله نمی شود و

ادله مشروعیت «بورس»:

ادله مشروعیت بورس (مجموع سازمان بورس و شرکت بورس):

دو راه برای تصحیح بورس داریم:

۱. طبق قواعد اولیه

طبق قواعد اولیه:

دلیل اول: تمسک به سیره عقلاء

مقدمه اول: بورس یک امر مشروع عقلانی است، بناء و سیره عقلاء بر اعتبار آن است و بر آن ترتیب اثر می دهند. مقدمه دوم: شارع آن را ردع نکرده است.

البته مقدمه دوم بستگی به مبانی مختلف در باب سیر عقلائی دارد، چون در آنجا برای حجیت سیره، چند مبنا داریم که عبارتند از:

۱. نیاز به امضای شارع داریم.
 ۲. عدم ردع شارع کافی است.
 ۳. همین که ردعی واصل نشده باشد، کافی است.
 ۴. به هیچ کدام یک از این موارد نیازی نداریم.
- مبنای اول: یعنی نیاز به امضای صریح شارع باشد، در اینجا با مشکل مواجه می شویم زیرا این بنا و سیره مستحدث است و در مرآی و منظر شارع هم نیست که شارع آن را امضا کند و دلیلی هم بر امضای شارع نداریم.
- پس ابتدا باید دلیل حجیت سیره‌های مستحدث را بررسی کنیم تا مبنای ما در آنجا مشخص شود بنا بر بعضی مبنایی که در کتاب الرائد آمده است، می توان حجیت آن‌ها را اثبات کرد مثل اینکه دلیل ما برای حجیت سیره آیه «وامر بالعرف» باشد و با همین آیه تمام معروف‌ها معتبر دانسته می شود ولی عمده‌ی دلایل از این سنخ در آنجا خدشه دارد.
- مبنای دوم: که باید احراز عدم ردع می کردیم تا کاشف از امضای شارع باشد، اشکالش نرسیدن تمام شرع به ماست.
- مبنای سوم: که عدم وصول ردع بود می تواند مشروعیت بورس را اثبات کند.
- مبنای چهارم: اگر در تقریب حجیت سیره مبنا این باشد که شارع در مقام قانون گذاری حداقلی است و تنها اموری که به جهنم منجر می شود، را بیان کرده است و تنها از آن‌ها جلوگیری کرده است یعنی فقط خط قرمزها را بیان می کند؛ مثل والدینی که به بچه‌هایشان که در حیاط خانه بازی می کنند می گویند کنار حوض نروید ولی هر بازی ای خواستید بکنید، البته نه اینکه جعل کرده باشد که هر طور می خواهید بازی کنید بلکه آن‌ها را به حال خود رها کرده و دستورات موالی تنها در مورد خطوط قرمز است و دستور دیگری ندارد.
- روایت هم داریم که پیامبر فرموده اند که هر چیزی که شما را به بهشت نزدیک و از جهنم دور، بیان کرده‌ام.
- فلذا اموری که خط قرمز شارع در معیشت است، بیان کرده است فلذا مشکلی ندارد برای خودمان بازار حقوقی - بر خلاف بازار حقیقی - درست کنیم و تنها باید حواسمان باشد، بر خلاف خطوط قرمز شرع رفتار نکنیم.
- حال اگر کسی این مبنا را پذیرفت نتیجه اش می شود اینکه برای اعتبار و حجیت سیر عقلائی نه امضا می خواهیم و نه عدم ردع، به عبارت دیگر ما اصلاً در این امور نیازی به جعل شارع نداریم بلکه شارع تنها خط قرمزها را بیان کرده است و همان‌ها برای ما کافی است.
- در این صورت اباحه و مستحب و مکروه جعل شرعی ندارد بلکه همگی ارشادیات است پس دستوریات نیستند.
- حال طبق این مبنا نتیجه می گیریم: این خط قرمزهایی که شارع بیان کرده است، شامل بورس نمی شود، فلذا مشروعیت بورس اثبات می شود.
- البته این مبنا را ما در حد مایقال مطرح کردیم و در مقام رد یا اثبات نبودیم.
- این مبنا نیاز به بررسی بیشتر دارد که شارع مقدس در هر امری حکمی دارد که در این صورت مبنای فوق مخدوش می شود یا اینکه شارع در هر امری و مسئله‌ای حکم نداده است بلکه تنها خطوط قرمز را بیان کرده است؟

ما در بررسی های خودمان نتوانستیم اثبات کنیم که شارع در تمام مسائل حکم دارد، هر چند روایات زیادی در باب بود ولی همگی اشکالی داشت إما سندا و إما دلالتاً.

پس خلاصه مبنای چهارم این شد که شارع مقدس خط قرمزها را چه تکلیفی و چه وضعی، اعم از معاملات و غیرمعاملات را بیان کرده است و بیان هم اعم از عموم و اطلاق و بیان خاص است، حال اگر عقلاء بنا و روشی داشتند و خطوط قرمز شرعی شامل آنها نشد، اشکالی به مشروعیت آن سیره وجود ندارد.

اشکال به مبنای چهارم:

البته طبق مبنای چهارم این مطلب باقی می ماند که آیا تمام خط قرمزهایی که شارع بیان کرده است، به ما رسیده است یا نه؟ مخصوصاً با وضعیت تاریخ اسلام و تدریجیت بیان احکام و فقر کامل شیعه از حیث معارف در بعضی از ازمینه تا جایی در زمان امام سجاد و امام باقر (علیهما السلام) شیعه احکامشان را از عامه می پرسیدند و اینکه خیلی از روایات ما از بین رفته مثل مدینه العلم، اصول اربعه منه و...

اگر هم کسی بگوید که قرآن تبیان کل شی است ولو با اطلاقاتش همه چیز را بیان کرده است، جواب می دهیم که اطلاقات کتاب معمولاً برای ما مفید نیست زیرا قرآن کریم معمولاً در مقام بیان تمام موضوع نیست بلکه تنها در مقام تشریح بوده است فلذا نیاز به مفسر دارد که همان اهل بیت باشند، بله قرآن تبیان لکل شی است ولی خود اهل بیت می فهمند و آنها هستند که می توانند از قرآن استفاده هایی را ببرند که ما مجوزی برای آن نوع تأویل و تطبیق ها نداریم.

البته در بعضی از بناهای عقلایی این احتمال که رادع وجود داشته ولی به ما نرسیده است، نمی رود مثل حجیت ظهورات و... زیرا این سیره ها از واضحات هستند و اگر ردعی بود حتماً به ما می رسد.

پس اگر بنایی از واضحات نبود، چون احتمال وجود ردع هست نمی توان حکم به مشروعیت آن کنیم و جای رجوع به اصول عملیه است.

دلیل دوم: تمسک به عموماً باب معاملات

دلیل دوم ما برای اثبات مشروعیت بورس عبارت است از عموماً و اطلاقات ادله معامله مثل احل الله البیع، اوفوا بالعقود و... تقریب استدلال:

در صدر اسلام وقتی آیه عقود نازل شد معاملات مختص به معاملات دو انسان با یکدیگر نبود بلکه معامله با کنیسه و کعبه که موجود ذی شعور نبودند، نیز وجود داشت که مثلاً چیزهای از کعبه می خریدند یا به کعبه می فروختند هر چند متولی کعبه یا معبد واسطه این معامله می شد ولی بایع یا مشتری اصلی همان معبد و کعبه که شخصیت حقوقی می باشد، بود؛ بعد از نزول آیه بدون اینکه سوال پرسند که آیا این آیه فقط مربوط به بیع انسان ها است یا نه؟ به همان روش ادامه دادند و شارع هم ردع نفرمود.

فلذا این مطلب کاشف می شود که مقصود از بیع و عقد در آیه، همان عقود و بیع های عرفی است و عرف آن زمان همان را موضوع می دانسته و شارع هم این فهم را تخطئه نفرموده است؛ اگر شارع بیع و عقدی خاصی مقصودش بود باید بیان می کرد، پس اطلاق مقامی برای این ادله شکل می گیرد یعنی همان عقود عرفی از جمله بیع با کنیسه و معبد هم حلال است و هم وفای به آن لازم است.

مثلاً شما فرض کنید الان آیه نازل می شد و یکی از معاملات رایج عرف، مثلاً معامله با بورس است، بیمه است و... این آیه شامل تمام شخصیت های حقوقی می شد چون در تمام موارد عرفاً بیع محقق شده است و آیه می فرماید احل الله البیع.

پس چون آیه اطلاق مقامی دارد پس شامل معاملات مستحدث مثل بورس و... هم می شود، پس تا اینجا اثبات شد صحت معامله با بورس، از طرف دیگر چون آیه، دلیل اجتهادی است فلذا لوازمش حجت است پس صحت این بیع ملازم با این است که این بیع مشروع باشد.

پس خلاصه استدلال این شد که:

موضوع عموماً و اطلاقات باب معاملات، بیع عرفی است که شامل بورس و... هم می شود.

لازمه صحت یک نوع از بیع این است که آن بیع، مشروع باشد.

پس شارع مشروعیت بورس را بیان فرموده و معامله با آن را صحیح دانسته فلذا شارع موجودیت بورس و سایر اشخاص حقوقی را قبول کرده است فلذا این اشخاص حقوقی مالک می شوند.
بله اگر کسی توهم کند که مقصود از بیع در آیه شریفه تنها بیعی بوده است که خود شارع قبول داشته است، تمسک به این آیات برای مشروعیت بورس می شود تمسک به دلیل در شبهه مصداقیه خود دلیل ولی با تقریبی که داشتیم این توهم رد می شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته